



The Effect of Religious Beliefs on Providing Cultural Security

Mohammad-Hassan Shaban-Ali

*3rd level graduate of
jurisprudence and principles,
Qom Seminary, Qom, Iran
(Corresponding author).
shaabanali1352@gmail.com

Mohammad Moradi

4th level graduate in
jurisprudence and principles
Qom Seminary, Qom, Iran.
Mohammad13710905@gmail.com

Received: 2024/01/03

Accepted: 2024/01/18

DOI:

10.22034/jpcs.2024.1277688.1296



ABSTRACT

Cultural security is so vital in every society. Cultural security is also so important in Islamic societies. In the Islamic civil society, if people understand the religion and religious beliefs well, the cultural security of the society will be ensured and the enemies and malicious people inside and outside will not be able to be against this cultural security and to destroy it with the purpose of cultural invasion. The best help and guide for maintaining cultural security and dealing with cultural invasion is the Holy Quran and then the precious words of the Ahl-al-Bayt of Innocence and Purity (peace be upon them), who are always a bright light in turbulent cultural paths. By taking advantage of the teachings of Ahl-al-Bayt (peace be upon them) and applying them in the Islamic society, cultural security is ensured in the society. The role of religion in providing cultural security includes monotheism, justice, prophecy, imamate, and resurrection, and in the section of religious beliefs in providing cultural security, it is the command of good and the prohibition of evil, justice-oriented, responsibility, respect for rights, loyalty to covenant, chastity, guardianship, family formation, Islamic ethics, covering faults, simplicity of life, helping the needy play central roles.

Keywords: religion, religious beliefs, cultural security.

► **Citation (Vancouver):** Shaban-Ali MH, Moradi M, The Effect of Religious Beliefs on Providing Cultural Security. *Police Cultural Studies*, 2023; 10(4): 47-62.

► **Citation (APA):** Shaban-Ali, MH., Hertamani, A., Basiart, M.(2023) The Effect of Religious Beliefs on Providing Cultural Security. *Police Cultural Studies*, 10(4), 47-62.

تأثیر باورهای دینی بر تأمین امنیت فرهنگی

چکیده

امنیت فرهنگی در هر جامعه‌ای از اهمیت فراوانی برخوردار است. امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. در جامعه مدنی اسلامی، اگر مردم به خوبی دین و به تبع آن باورهای دینی را درک کنند، امنیت فرهنگی جامعه تأمین می‌گردد و دشمنان و افراد بدخواه داخلی و خارجی توان مقابله با این امنیت فرهنگی را نخواهند داشت و قادر به برهم زدن آن در راستای تهاجم فرهنگی نیستند. بهترین کمک و راهنما برای حفظ امنیت فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی، قرآن کریم و سپس کلام گوهر بار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است که همواره چراغ روشنی در مسیرهای پرتلاطم فرهنگی هستند. با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (علیهم السلام) و به‌کارگیری آن‌ها در جامعه اسلامی، امنیت فرهنگی در جامعه تأمین می‌شود. نقش دین در تأمین امنیت فرهنگی شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد می‌شود و در بخش باورهای دینی در تأمین امنیت فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق، وفای به عهد، عفت، ولایت-پذیری، تشکیل خانواده، اخلاق اسلامی، عیب‌پوشی، ساده‌زیستی، کمک به نیازمندان نقش محوری بازی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: دین، باورهای دینی، امنیت فرهنگی.

محمدحسن شعبانعلی

*دانش‌آموخته سطح ۳ فقه و اصول،
حوزه علمیه قم، قم، ایران
(نویسنده مسئول).

shaabanali1352@gmail.com.

محمد مرادی

دانش‌آموخته سطح ۴ فقه و اصول حوزه
علمیه قم، قم، ایران.

mohammad13710905@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۶۲-۴۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/jpcs.2024.1277688.1296

◀ استناد (ونکوور): شعبانعلی، م. ح.، مرادی، م.، تأثیر باورهای دینی بر تأمین امنیت فرهنگی. مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۴۰۲، ۱۰(۴): ۴۷-۶۲.

◀ استناد (APA): شعبانعلی، م. ح.، مرادی، م.، (۱۴۰۲). تأثیر باورهای دینی بر تأمین امنیت فرهنگی. مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۰(۴): ۴۷-۶۲.

هرگاه امنیت را بستر رشد، بالندگی و شکوفایی فرهنگ بدانیم و فرهنگ را نیز بستر تعالی و خوش‌بختی انسان به-شمار آوریم، تا حد بسیاری ارزش امنیت فرهنگی را مشخص کرده‌ایم. از این منظر، لازم است تا به میزان ارزش و اهمیت فرهنگ، برای امنیت ارزش و اعتبار قائل شد، چراکه بذر ارزشمند فرهنگ در زمین شوره‌زار ناامنی هرگز نمی‌روید و به برگ و بار نمی‌نشیند. بنابراین، اگر امنیت برای فرهنگ جنبهٔ مقدمی داشته باشد، از مقدمات واجب است. امنیت فرهنگی، در هر جامعه‌ای، چه جامعهٔ اسلامی و چه غیر اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار است. در هر دین و اعتقادی، براساس باورهای همان دین و اعتقاد، امنیت فرهنگی متناسب با آن جامعه شکل می‌گیرد و افراد و مسئولین جامعه ملزم به حفظ آن امنیت فرهنگی هستند. امنیت فرهنگی در جامعهٔ اسلامی هم از اهمیت فراوانی برخوردار است. در جامعهٔ مدنی اسلامی، اگر مردم به‌خوبی دین و به‌تبع آن باورهای دینی را درک کنند، امنیت فرهنگی جامعه نیز تأمین می‌گردد و دشمنان و افراد بدخواه داخلی و خارجی، توان مقابله با این امنیت فرهنگی را نخواهند داشت و قادر به برهم‌زدن آن در راستای تهاجم فرهنگی نیستند. بهترین راهنما برای حفظ امنیت فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی، قرآن کریم و سپس کلام گوهر بار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. در واقع، پرسش پژوهش این است که «چگونه قرآن کریم و سپس کلام گوهر بار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) چراغ روشنی در مسیرهای پرتلاطم فرهنگی است که با بهره‌گیری از آن‌ها امنیت فرهنگی در جامعه تأمین می‌شود؟»

روش پژوهش

در این پژوهش، به‌روش کتابخانه‌ای به‌بررسی قرآن کریم و سپس کلام گوهر بار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) پرداخته‌ایم تا نقش آن‌ها را در تأمین امنیت فرهنگی استخراج و تبیین کنیم.

در این بخش، مواردی که از دین و باورهای دینی در تأمین امنیت فرهنگی تأثیرگذارند به‌ترتیب ذکر و تشریح شده‌اند:

۱. دین

”دین“ در لغت به‌معنای ’جزا، اطاعت، ملک، قرض و...‘ آمده است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۶۸-۲۶۹). راغب در «المفردات» اظهار می‌دارد: «الدِّینُ یقال للطاعة و الجزاء، و استعیر للشریعة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۳۱۳). مرحوم فیروزآبادی نیز در «معجم القاموس المحيط» در این باره اظهار می‌دارد که «الجزاء، العاده، الذل، الحساب، القهر، الغلبه، الاستعلاء، السلطان، الملك، الحكم، السیره، التدبیر، الورع، المعصیه، الحال، القضاء. و اسم لجميع ما یتعبد الله عزوجل به» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۴۶۱). اما، در اصطلاح تعاریف فراوانی از آن ارائه شده است. برخی از این تعاریف تا حدی گسترده است که هرگونه مکاتب بشری، آیین خرافی و منکر خدا و حتی ضد خدا، همچون مارکسیسم را هم شامل می‌شود و برخی به‌قدری محدود است که تنها یک دین خاص را دربر می‌گیرد (حسین زاده، ۱۳۸۰: ۱۷). برخی متکلمان غربی در تعریف دین نوشته‌لند: دین نظامی الهی است که برای صاحبان خرد وضع شده و مشتمل بر اصول و فروع است (ناس، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۱). در همین راستا، دین وسیله‌ای برای توضیح راز جهان و تبیین پدیده‌های دینی براساس حالات درونی و تحول زندگی اجتماعی است (دورانت، ۱۳۹۸: ۳۸۲). در واقع، دین به مجموع اعتقاد به خدا و زندگی جاودان و احساس و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۳).

آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب ”آمزش عقاید“ می‌فرماید: دین اصطلاحاً به‌معنای ’اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید است‘ (مصباح یزدی، ۱۳۶۴: ۲۸).

آیت‌الله جوادی آملی در توضیح معنای اصطلاحی دین می‌گوید: دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۹۳). برخی از متفکران اسلامی تنها دین الهی که منشأ الهی داشته باشد را شایسته لفظ دین می‌دانند و معتقدند: «دین مجموعه‌ای از هست‌ها و بلیدهای مستند به خداوند است که از طریق وحی و سنت برای هدایت انسان‌ها ظهور یافته است» (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۷).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان تعاریف متفکران مسلمان را که جامع‌تر و دقیق‌تر از تعاریف دیگر است، در این تعریف خلاصه نمود: دین مجموعه‌ای از عقاید و گزاره‌های حقیقی و دستورات عملی و ارزشی است که برپایه همان گزاره‌های اعتقادی برای سعادت انسان‌ها وضع شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۶).

۲. باورهای دینی

کلمه «باورها» جمع «باور» و در لغت به معنای یقین، اعتقاد، عقیده، باورداشتن، باورکردن و سخن کسی را راست و درست پنداشتن است (عمید، ۱۳۸۹: ۲۱۰). اما، در اصطلاح و در یک تعریف ساده و رسا، «باورها یا عقیده‌ها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد» (پارسا، ۱۳۸۸: ۳۱۲). در تعریفی دیگر، باور، سازمانی باثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است. در مفهوم وسیع‌تر، باورها دربرگیرنده شناخت یا دانسته‌ها، عقاید یا آیین است (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴).

در مورد کلمه «دینی»، دین منسوب به یاء نسبت است که منظور از آن عبارت است از مجموع عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها است، گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۹۳). منظور از «باورهای دینی» در این پژوهش، اعتقاد به قوانین

و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها است که براساس آموزه‌های قرآن کریم و با بهره‌گیری از کلام معصومین (علیهم السلام) شکل می‌گیرد.

۳. امنیت فرهنگی

«امنیت» در لغت به یمن شدن، درمان بودن و بی‌بیمی (معین، ۱۳۸۶: ۱۲۲)، اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم (بندر ریگی، ۱۳۸۶: ۳۲۳)، معنا شده است. راغب در کتاب «مفردات»، امن و امنیت را دراصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۲۳). جناب فیومی در کتاب «المصباح المنیر» با ذکر مثال «أمن زید الاسد أماً» معنای امنیت را از آرامش و زوال ترس، یاد نموده است. آن‌گاه این واژه را هم از نظر وزن و هم از نظر معنا، همانند «سَلَم» دانسته است (قیومی، ۱۴۰۵: ۲۴). خلیل بن احمد در کتاب «العین» امن را به ضد ترس و خوف معنا کرده و مأمن را موضع بدون ترس دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۷۷). اما، در اصطلاح، معانی متعددی دارد. آرنولد و الفرز در تعریف امنیت از شیوه سلبی استفاده کرده و اظهار می‌دارند: «امنیت را می‌توان به وسیله فقدان ناامنی تعریف کرد؛ یعنی، هر جا که ناامنی نیست، امنیت وجود دارد. وجود جنگ، خشونت، زدو خورد و منازعات فردی و بی‌ثباتی، برخی از علائم ناامنی هستند (محمد نژاد، ۱۳۷۵: ۱۲۰). عمید زنجانی در تعریف امنیت اظهار می‌دارد: «مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنای آن است که مورد هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نماید (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۵۷۰).

«فرهنگی»، صفت منسوب به فرهنگ است (معین، ۱۳۸۶: ۱۱۷۷). فرهنگ در لغت به معنای علم، دانش،

است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن» (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۹۱) و در جای دیگری این اصل اجتماعی و سیاسی را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید: «کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان‌طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر، برای همین است که جامعه را اصلاح کند» (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۹۱).

«امنیت تنها کار پلیس یا نیروی انتظامی یا نیروی اطلاعاتی و امثال آن‌ها نیست. تمام دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی از آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها گرفته تا رسانه‌های گروهی همه و همه باید دست به دست هم بدهند تا نظم، انضباط و احترام به قانون به یک ارزش تبدیل شود، به‌طوری که اگر یک فرد از اعضای خانواده کار خلافی انجام داد نتواند آن را برای خانواده خود نقل کند هنوز متأسفانه در فرهنگ جامعه، بسیاری از کارهای خلاف، نوعی زرنگی تلقی می‌شود!... این امر مستلزم یک تحول عمیق فرهنگی است. تا این تحول انجام نگیرد ما به اهداف بلند خود نخواهیم رسید» (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۹۱).

۲. عدالت محوری

عدالت و عدالت‌محوری در هر جامعه‌ای دارای اهمیت فراوانی است. اما، فقط در حد و اندازه یک شعار زیبا باقی مانده است. عدالت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که مبنای دینی پیدا کند و بهترین مبنا قرآن کریم و کلام اهل بیت عصمت (علیهم السلام) است. درخصوص رابطه میان عدالت و امنیت می‌توان اظهار داشت که عدالت مرکز ثقل امنیت است؛ یعنی، بدون عدالت، امنیت سست‌پایه و بدون نقطه اتکا به‌شمار می‌رود. همچنین، می‌توان از عدالت برای تأمین و توسعه امنیت به‌منزله یک راهبرد استفاده کرد. بنابراین، باید گفت که عدالت مرکز و محور تعادل امنیت است.

تربیت، ادب، عقل، خرد، تدبیر و چاره است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۳۹۵). فرهنگ، واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر» به معنای شکوه و عظمت است و اگر به‌عنوان پیشوند به‌کار رود، به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. «هنگ» از ریشه اوستایی تنگ و به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. واژه مرکب فرهنگ، به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است.

فرهنگ، در اصطلاح دارای معانی مختلفی، از جمله ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت شکوهمندی، هنر، حکمت و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی است (صاحبی، ۱۳۸۴: ۶۰). بر این اساس، مراد از «امنیت فرهنگی» در این پژوهش، اطمینان‌یافتن و در امان بودن آداب و رسوم آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت از آسیب‌های تربیتی و معرفتی است. در ادامه، باورهای دینی مؤثر بر امنیت فرهنگی آمده است:

۱. امر به معروف و نهی از منکر

اولین نقش باورهای دینی در تأمین امنیت فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر است. در این بخش، با توجه به آیات و روایات مربوط به این موضوع، موارد زیر مطرح می‌گردد. برقراری امنیت فرهنگی و نظم یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های هر جامعه به‌شمار می‌آید. در این رابطه، عوامل و متغیرهای متعددی دخیل و مؤثر هستند که یکی از آن عوامل مؤثر در حکومت اسلامی، فریضه حیاتی امر به معروف و نهی از منکر است.

امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و نظارت کارگزاران نظام از وظایف مهم اجتماعی به حساب می‌آید و از دیدگاه امام (ره) برای اصلاح امور جامعه و استقرار نظم و امنیت لازم است. ایشان حتی مردم را به انتقاد از خودشان فراخوانده، می‌فرماید: «همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف

کشف و با فهم مرکز تعادل هر چیزی می‌تواند در تسلط و مدیریت آن پدیده، اثر راهبردی داشته باشد.

مهم‌ترین و اساسی‌ترین بحث عدالت، حق است. یکی از الگوهای تعریف عدالت عبارت مشهور «اعطاء كل ذي حق حقه» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۱) است. از سوی دیگر، معیارهایی را برای سنجش عدالت به مثابه رابطه میان حق و تکلیف، یعنی متعادل و متوازن بودن، برابری و انصاف، ما را به شدت به معیارهای رضایت و نارضایتی و تعادل میان داشته‌ها و خواسته‌ها نزدیک می‌کند. در کلام اهل بیت (علیهم السلام)، هیچ چیزی مانند عدالت نمی‌تواند دولت‌ها را محافظت نماید و عدل را سپر محکمی معرفی می‌نمایند که موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «أَنَّ تَحْصِينَ الدُّوَلُ بِمَثَلِ اسْتِعْمَالِ الْعَدْلِ فِيهَا» (محدث، ۱۳۸۴: ۷۰) و در ادامه می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَنَ اللَّهُ مَلْكَهٗ وَ مَنْ عَمِلَ بِالْجورِ عَجَلَ اللَّهُ هَلْكَهٗ» (محدث، ۱۳۸۴: ۳۵۵). همچنین، امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: هیچ چیزی مانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند و «عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد».

شهید مطهری (ره)، عدالت را رعایت و حفظ حق واقعی مردم می‌داند. از دیدگاه وی، عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی و قوام عدالت اجتماعی و فردی، فرهنگ اسلام و ایمان و توجه به قانون است. او عقیده دارد که حکومت باید شرایط استقرار عدالت اجتماعی را فراهم سازد.

هیچ چیز مانند عدالت در جهت حفظ و امنیت جامعه، مؤثر نیست. زیرا، عدل به سان دژی استوار موجب تداوم قدرت و استحکام مملکت می‌شود. مهم‌ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه پدیدار می‌شود. چراکه، عدل سبب انتظام امور مردم و جامعه است (اخوان، ۱۳۸۲: ۲۳).

اساساً اگر عدل در جامعه حاکم باشد و زمام‌دار و حاکم از ظلم و ستم و تبعیض پرهیز کند، امنیت در همه ابعاد

آن اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... استقرار می‌یابد. بنابراین، جای تعجب نیست که «عدل» به عنوان یکی از اصول مذهب شیعه و یکی از زیربنای تفکری ما در اسلام شناخته می‌شود. اگرچه عدالتی که جزو اصول مذهب است، یکی از صفات خداوند است و در اصل خداشناسی که نخستین اصل از اصول دین است، مندرج است، اما ممتاز ساختن آن بسیار پرمعنی است و به همین دلیل در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت تکیه نشده است. کم‌تر مسأله‌ای است که در اسلام به اهمیت عدالت مورد توجه باشد. زیرا، بحث «عدل» همانند «توحید» در تمام اصول و فروع اسلام ریشه دوانده، یعنی همان‌طور که هیچ یک از مسایل عقیدتی و عملی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و حقوقی و... از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست، همچنین هیچ یک از آن‌ها خالی از روح «عدل» نخواهد بود.

قرآن کریم تأکید ویژه‌ای بر عدالت دارد به گونه‌ای که اساساً فلسفه بعثت انبیاء و فرورستاندن کتاب‌های آسمانی را استقرار عدالت و برقراری امنیت در جامعه بیان می‌کند:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرَسُولَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، ۵۷، آیه ۲۵)، «همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هر چند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است».

نه تنها زندگی محدود بشر در این کره خاکی بدون عدالت برپا نمی‌شود، بلکه سرتاسر جهان هستی و آسمان‌ها و زمین همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و

۴. رعایت حقوق

چهارمین باور دینی که نقش به‌سزایی در تأمین امنیت فرهنگی دارد، رعایت حقوق است. اگر در جامعه، حقوق خداوند متعال و حقوق مردم به‌نحو مطلوب رعایت گردد، امنیت فرهنگی در جامعه مستحکم‌تر می‌گردد. با بررسی‌های به‌عمل آمده مشخص گردید که بیشتر ناامنی‌ها از زیاده‌خواهی‌ها و زیر پا گذاشتن حقوق یک‌دیگر است. بنابراین، با رعایت حقوق، می‌توان به تحقق امنیت کمک نمود.

از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ» (محدث، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۷۰)، خداوند متعال، حقوق بندگانش را مقدمه و زمینه ساز حقوق خود قرار داده است. پس آن که حقوق بندگان خدا را ادا نماید، حقوق الهی را نیز ادا خواهد کرد. بنا بر این روایت، شخص با مراعات کردن حق الناس، حق الله را هم به‌جا می‌آورد که این خود موجب امنیت در همه مسائل فرهنگی می‌گردد.

۵. وفای به عهد

پنجمین باور دینی که در تأمین امنیت فرهنگی جامعه مفید است، وفای به عهد و پایبند بودن به آن است. همان‌طور که در دین مبین اسلام به وفای مورد تأیید و تشویق است، عدم وفاداری یا خیانت در عهد، مذموم و قبیح است.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لزوم وفای به عهد را در همه شرایط به مسلمانان تأکید و توصیه می‌کند. روایت زیر اهمیت این مسأله را بیشتر مشخص می‌کند: حذیفه از کسانی بود که در جنگ بدر شرکت نکرد و از آن فیض بزرگ محروم گردید، خودش درباره این محرومیت می‌گوید: «من و رفیقم ابوالحسبیل از مدینه

قرارگرفتن هر چیزی در موضع مناسب خود برقرار هستند و اگر لحظه‌ای به مقدار سر سوزنی از اصول حاکم بر نظام آفرینش انحرافی حاصل شود، همه چیز در نیستی فرو خواهد رفت. در همین راستا، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ ۗ آسْمَانُهَا وَ زَمِينُهَا، بِأَعْدَالَتِهَا، يَا بَرِّجَا مِی مَانِدُ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۳۷۱: ۱۰۳).

۳. مسؤولیت‌پذیری

سومین باور دینی که در تأمین امنیت فرهنگی مؤثر است، مسؤولیت‌پذیری است. هر کسی در هر جایی که عهده‌دار مسؤولیتی است، باید آن را به‌نحو عالی انجام دهد؛ این که هر شخصی وظیفه خود را انجام دهد، دیگر هیچ ناامنی در جامعه نمی‌ماند و در جامعه هم امنیت فرهنگی و هم امنیت اجتماعی حادث می‌شود. مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرماید: «در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان‌جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه کارها به شما متوجه است».

خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره قیامت می‌فرماید: «يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (قیامت، ۵۵، آیه ۳۶) آیا انسان پندارد که آزاد و رها و بی مسؤولیت است؟». به‌علاوه، نبی مکرم اسلام در روایتی می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَ عَلَى وُلْدِهِ فَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۳۸) همه شما نسبت به آنچه عهده‌دار شده‌اید مسؤولید، زمام‌دار و امام مسؤول ملت، مرد مسؤول خانواده، زن مسؤول امور منزل و فرزندان است، پس هر کس نسبت به انجام وظایف و حقوقی که به او واگذار شده مسؤول است.

خارج شدیم تا به پیغمبر اسلام و سپاه مسلمین بپیوندیم. اتفاقاً به جمعی از کفار قریش برخوردیم. از ما پرسیدند: به سوی محمد می‌روید؟ از ترس آن‌ها و برای نجات از شرشان گفتیم: نه، ما به مدینه می‌رویم. آن‌ها از ما قول گرفتند که اگر آزادمان کنند، به یاری محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برویم و علیه آن‌ها جنگ نکنیم. ما هم این قول را دادیم و آزاد شدیم. از آن جا به حضور خاتم انبیا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رسیدیم و ماجرا را نقل کردیم و اجازه شرکت در جنگ را خواستیم. پیامبر فرمود: نه، شما با آن‌ها عهد و پیمان دارید و نباید نادیده بگیرید. شما بروید و به عهد و پیمان خود وفا کنید، ما هم از خدا یاری می‌جوییم» (سید قطب، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

شواهد بسیاری در دست است که پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به وفای به عهد بسیار اهتمام داشت، از آن جمله در صلح حدیبیه که بین آن حضرت و مشرکین مکه پیمانی بسته شد به این مضمون که اگر کسی از پیروان رسول خدا به سوی قریش آمد، او را بپذیرد و هر کس از قریش به سوی پیغمبر آمد، او را نپذیرد و رسول خدا همچنان بر پیمان خود استوار بود و کسی از افراد قریش را در آن هنگام نمی‌پذیرفت. ابو رافع می‌گوید: «قریش مرا به نزد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌فرستادند. هنگامی که آن حضرت را دیدم در دلم نور اسلام تابید. به آن حضرت عرض کردم: یا رسول الله! من دیگر به سوی قریش بر نمی‌گردم. فرمود: من برخلاف عهد عمل نمی‌کنم و پیام‌آوران را نگه نمی‌دارم. تو به سوی آنان باز گرد و اگر دیدی باز اسلام را می‌خواهی، از نو به سوی ما باز آی» (سید قطب، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

وفای به عهدی که موجب امنیت فرهنگی می‌گردد، انواع و اقسامی دارد که عبارتند از:

الف: عهد و پیمان با خدا

خداوند متعال در آیه ۷۷ سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ

لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران، ۳، ص ۷۷)، آنان که عهد خدا و سوگند خدا را به بهایی اندک بفروشد اینان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا با آن‌ها (از خشم) سخن نگوید و در قیامت (به نظر رحمت) بدان‌ها ننگرد و (از پلیدی گناه) پاکیزه‌شان نگرداند، و آنان را عذابی دردناک خواهد بود. نبی مکرم اسلام در این باره می‌فرماید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۱۹۸).

ب: پیمان با خود

بهترین و اولین کسی که به عهد خود وفادار است، خداوند متعال است: «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ» (توبه، ۹، آیه ۱۱۱)، چه کسی به پیمانش پای بندتر از خداست؟

ج: وفای عهد نسبت به مردم

این عهد نیز بسیار بااهمیت است و کوتاهی از آن، موجب ضایع کردن حقوق دیگران و باعث ناامنی فرهنگی می‌گردد. عهد و پیمان با مردم دارای اقسامی است:

۱. وفای به عهد در ازدواج: وفای متقابل میان زن و مرد که اسلام دستورات زیادی درباره آن صادر کرده است، باعث استحکام نظام خانواده می‌شود. وقتی خانواده مستحکم باشد، اجتماع نیز به سلامتی و بقای خود ادامه می‌دهد.

خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره نساء می‌فرماید: «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء، ۴، آیه ۲۱)، و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت در حالی که هر کدام به حق خود رسیده‌اید و آن زنان (مهر را در مقابل عقد زوجیت و) عهد محکم از شما گرفته‌اند.

۲. وفای به عهد در خانواده: وفای به عهد در قبال

اعضای خانواده، بسیار مهم است. اگر پدر و مادر به عهد خود وفادار نباشند، به روحیه فرزندان لطمه وارد می‌کنند و آن‌ها را به دروغ‌گویی سوق می‌دهند.

را بیان می‌فرمایند که هر کدام از آن‌ها نقش مؤثری در تأمین امنیت فرهنگی دارد و آن‌ها عبارتند از:

الف: در گفتار

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره احزاب درباره وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم می‌فرماید: «فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً» (احزاب، ۳۳، آیه ۳۳)، پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند.

ب: در نگاه

عفت در نگاه نیز موجب امنیت فرهنگی می‌گردد. همان‌سان که نگاه به نامحرم موجب ناامنی فرهنگی در اجتماع می‌شود. خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره نور و جوب حفظ و کنترل نگاه را بیان می‌کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (نور، ۲۴، آیه ۳۰) 'به مردان مومن بگو از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم‌پوشی کنند'.

ج: در شهوت

خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (همان، آیه ۳۱): 'به زنان با ایمان بگو دامن‌های خود را حفظ نمایند'. همچنین، در آیه ۳۳ در مورد کسانی که امکان برای ازدواج نمی‌یابند، می‌فرماید: «وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (همان، آیه ۳۳)، 'و کسانی که وسیله نکاح ندارند. به عفت سرکنند تا خدا از کرم خویش از این بابت بی‌نیازشان کند'.

د: در پوشش

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَوَّامِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ

پیشوایان اسلام در سخنان خود به تربیت صحیح کودکان و آموزش اخلاق و رفتار اجتماعی به آنان در خانواده اشاره کرده‌اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ لَيْفَ إِذَا وَعَدَ» (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۵)، 'کسی که به خدا و روز معاد ایمان دارد پس هر وقت وعده ای دهد به آن وفا نماید'.

۳. وفای به عهد در کارها: خوش‌قولی و خوش‌حسابی در کلیه معاملات و روابط حقوقی و اقتصادی، موجب پیدایش ثبات و اطمینان و امنیت اقتصادی می‌شود؛ خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره اسراء در این باره می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء، ۱۷، آیه ۳۴)، 'و همه به عهد خود باید وفا کنید که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد'.

۴. وفای به عهد یک ملت با ملت دیگر: اگر هر دو ملت مسلمان باشند، وفای به عهد در میان آن دو، سبب ثبات و برادری و محبت می‌شود. اگر بین یک ملت مسلمان و ملت غیر مسلمان دیگر باشد، وفای به آن، واجب و تا زمانی که از این پیمان‌ها زیان و اهانتی متوجه اسلام و مسلمین نباشد، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. همان‌طور که گفته شد، این نوع وفای به عهد یکی از امور بسیار مهمی بود که در صدر اسلام سبب شد تا گروه‌های بسیاری آیین بزرگ الهی را پذیرا شوند.

۶. عفت: ششمین باور دینی که در تأمین امنیت فرهنگی نقش دارد، عفت است. جامعه با برخورداری از عفت فردی و عمومی به سمت برقراری امنیت فرهنگی پیش می‌رود و معزلات تأمین چنین امنیتی با عفت از بین می‌رود. عفت، انواع و اقسامی دارد که رعایت و پایبند بودن به آن‌ها ابتدا موجب امنیت فرهنگی و سپس باعث تأمین امنیت فرهنگی می‌گردد؛ خداوند متعال در قرآن کریم، انواع عفت

أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب، ۳۳، آیه ۵۹)،
 ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مؤمنان
 بگو: چادرها و روسری‌های بلند خود را بر
 خویش فروافکنند، این کار برای این‌که به عفاف
 شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر
 است»

۷. ولایت مداری

ولایت‌مداری با ولایت‌الله جلّ جلاله شروع و با نبوت
 و سپس امامت ادامه می‌یابد، در زمان غیبت امام
 معصوم، ولایت‌مداری نسبت به ولی فقیه مطرح می
 گردد؛ ولایت در مکتب اسلام از چنان جایگاه والایی
 برخوردار است که بزرگان و علمای اسلام از آن
 به‌عنوان رکن و اساس توحید و دژ مستحکم الهی یاد
 کرده‌اند. زمانی که حضرت علی بن موسی الرضا (علیه
 السّلام) به اجبار مأمون، از مدینه عازم مرو بودند، در
 شهر نیشابور که عده زیادی به استقبال آن حضرت آمده
 بودند، به خواست مردم توقف کوتاهی نمودند و برای
 هدایت مردم به سمت توحید و احراز غاصبانه‌بودن
 حکومت عباسیان و این‌که حکومت و خلافت، فقط
 حق دوازده امام برحق شیعه است، حدیث مشهوری به
 نام سلسله‌الذّهب بیان فرمودند. این حدیث، ازجمله
 احادیث قدسی است که به قول دانشمندان علوم
 اسلامی و متخصصین علم حدیث، راویان آن طلایی
 است و حدیثی محکم‌تر از این حدیث در عالم حدیث
 وجود ندارد. امام رضا (علیه السّلام) به‌نقل از پیامبر
 اسلام (صلی الله علیه و آله) و ایشان به‌نقل از جبرئیل
 و جبرئیل از قول خداوند (عزّ و جلّ) فرموده‌اند: «إِنِّي
 أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحَدِي، عِبَادِي فَأَعْبُدُونِي وَلْيَعْلَمَنَّ
 لَقِينِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا بِهَا أَنَّهُ قَدْ
 دَخَلَ حَصْنِي، وَمَنْ دَخَلَ حَصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، قَالُوا
 يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ قَالَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَاعَةُ اللَّهِ وَطَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَوَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۱۲۷)، «از پدرم، موسی
 بن جعفر، شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، جعفر بن محمد

شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، محمد بن علی، شنیدم که
 می‌فرماید: از پدرم، علی بن الحسین، شنیدم که
 می‌فرماید: از پدرم، حسین بن علی بن ابی طالب، شنیدم
 که می‌فرماید: از پدرم، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،
 شنیدم که می‌فرماید: از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید:
 از جبرئیل شنیدم که می‌فرماید: از خداوند- که
 بزرگی‌اش بشکوه باد- شنیدم که می‌فرماید: "لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ، دژ من است. هر کس به دژ من وارد شود، از
 عذابم در امان است». به‌عبارت دیگر، جمله طَبِيَّةٌ «لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ» قلعه مستحکم و دژ استوار من است. هر کس
 آن را بگوید، در این قلعه و دژ استوار داخل می‌شود و
 اگر در آن وارد شد، از عذاب روز رستاخیز در امان
 خواهد بود.

۸. تشکیل خانواده

یکی دیگر از باورهای دینی که در تأمین امنیت فرهنگی
 دارای اهمیت است، تشکیل خانواده است. بشر از
 نخستین روزهای حضور خود بر عرصه خاک و
 شکوفایی جوانه‌های تأمل و تدبیر بر شاخ‌سار حیات،
 به‌خوبی دریافته است که خانواده بهترین مأمن انسان و
 شایسته‌ترین کانون برای تبلور سکون و اطمینان است.
 این امر نشان می‌دهد که خانواده یکی از اساسی‌ترین
 و طبیعی‌ترین نیازهای انسان به‌شمار می‌آید. بسیاری از
 مشکلات روانی حاصل از تنش‌های زندگی روزمره
 توسط یک خانواده سالم و به‌هنجار التیام یافته، جبران
 می‌شود. البته، خانواده می‌تواند به‌شکلی کاملاً معکوس،
 به‌عنوان منبع مهم ایجاد تنش در زندگی فرد باشد، اما
 اگر معیارهای زندگی سالم در خانواده رعایت گردد،
 می‌توان جلوی تنش‌ها را سد کرد و خانواده را به تعادل
 و سلامتی رساند. ازدواج و موفقیت در آن به‌عنوان یک
 واقعه اجتماعی، زیستی و فرهنگی، به‌دلیل نقش بنیادین
 آن در تشکیل خانواده از اهمیتی بسیار برخوردار است،
 به‌گونه‌ای که می‌توان اظهار داشت: بدون ازدواج،
 خانواده مفهوم چندان روشن و واضحی ندارد (مهدوی،
 ۱۳۷۷: ۳۱).

که شکل ظاهری انسان، متصف به صفت نیک و بد است، شکل باطنی انسان هم دارای اوصاف خوب و بد است. به عبارت دیگر، خُلق اختصاص به شکل و صورتی دارد که با چشم ظاهر درک می‌شود و خُلق اختصاص به قوای روحی و طبع باطنی دارد که با بصیرت و چشم دل درک می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۱۵۷). در اصطلاح، عبارت است از: آن سلسله صفاتی که در نفس و روح انسان ثابت و ریشه‌دار است و منشأ صدور اعمال نیک، همچون راست‌گویی، انفاق، ایثار و جهاد و یا اعمال بد، همچون دروغ‌گویی می‌شود (محمدی گیلانی، ۱۳۸۵: ۲۳).

نقش اخلاق اسلامی در محیط زندگی فردی و اجتماعی هر انسان، مانند خورشیدی تابانست که طراوت و شادابی را برای جامعه به‌ارمغان می‌آورد و بستر صفاء، صمیمیت، صداقت، محبت و اخوت را برای زیستن می‌گستراند تا همگان با چهره‌هایی باز و بشاش در یک فضای با صفای بهاری، همچون گل‌ها زندگی کنند. اخلاق نیکو، روان‌ها را شاداب و همه را برادر و عضو یک خانواده می‌سازد. کنفوسیوس مریی بزرگ چین معتقد است که اضطراب، آشوب و عدم اطمینان، امراضی هستند که یگانه داروی آن‌ها مکارم اخلاق است (تهرانی، ۱۳۵۷: ۶۳). هدف انسان در فرهنگ اسلام، تقرب به خداوند است. اخلاق پسندیده، اساسی‌ترین راه وصول به این مقصد است. نبی مکرم اسلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۲۱۰)، 'به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام'.

۱۰. عیب‌پوشی

یکی از توصیه‌های دین اسلام، عیب‌پوشی‌های بندگان خداست. بیان عیب‌های افراد چه در غیاب آن‌ها که غیبت به‌شمار می‌رود و چه در حضورشان، از گناهان سنگینی است که گاه پی‌آمدهای جبران‌ناپذیری به‌همراه دارد (سبحانی، ۱۳۷۹: ۶۶). عیب‌جویی بلای بزرگی است که همواره آدمیان را تهدید می‌کند و کسانی که

ازدواج درمقام سنگ‌بنای اولیه خانواده و به‌عنوان عاملی اساسی برای زوجیت و هم‌دلی دو جوان و زمینه‌بaldنگی و پیشرفت همسران به‌شمار می‌آید و انسان‌ها می‌توانند در سایه اندیشه و ایمان واقعی و در پناه زوجیتی شایسته، با اطمینان و صلابت، بر ناکامی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی چیره شوند و از وادی‌های شکست، مصمم و استوار عبور نمایند و بتوانند از گذرگاه اسفل السافلین به‌سوی اعلا علیین، که همان مقصود خلقت است، راهی بگشایند.

تعریف‌های متعددی برای واژه «ازدواج» ارائه شده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود: «ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به‌طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است» (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۳).

ازدواج هسته اول ایجاد خانواده و به نوبه خود، واحدی در سنگ‌بنای جامعه انسانی است. ازدواج زمینه‌ساز مطلوب‌ترین فرصت برای زیباترین تلاقی چشم‌ها، گیراترین تبادل کلام‌ها، استوارترین گام‌ها، تجلی متعالی‌ترین ارزش‌ها و محبوب‌ترین کانون نزد خالق متعال است (افروز، ۱۳۸۱: ۵). حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳)؛ 'هیچ چیزی نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج نیست'.

۹. اخلاق اسلامی

از باورهای دینی که موجب تأمین امنیت فرهنگی می‌گردد، اخلاق اسلامی و پایبندوبن به اخلاقیات در زندگی فردی و اجتماعی است؛ اخلاق جمع خُلق است (وائقی، ۱۳۷۴: ۱۳) و در لغت «خُلق» و «خُلق» از یک ماده (خ ل ق) هستند. خُلق به شکل ظاهری انسان نظر دارد و خُلق به شکل باطنی و نفسانی انسان. همان‌گونه

از راه‌های کسب آن است و ترویج فرهنگ در جامعه به تقویت فرهنگ زهدگرایی می‌انجامد (دلشادتهرانی، ۱۳۹۴: ۳۲۷). ساده‌زیستی دارای مراتبی است که با توجه به شخصیت و شأنیت افراد متفاوت است. به طوری که لزوم ساده‌زیستی در رهبران و کارگزاران از شدت بیشتری برخوردار است و هر چه مسئولیت‌ها سنگین‌تر شود، ساده‌زیستی یک امر واجب می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بر پیشوایان حق است تا می‌توانند خود را به حال فقیرترین مردم درآورند، تا فقیر به فقرش راضی باشد» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۴۷).

در مورد ساده‌زیستی باید اظهار داشت که فرد در عین توانایی داشتن زندگی بهتر، با توجه به درجه معنویت خود و تأسی از ائمه معصومین، خود به دنبال زندگی ساده و بی‌پیرایه است. «از طرفی برای ساده‌زیستی حدود و مرزهایی وجود دارد که این حدود لایتغیر است، از جمله نفی اسراف، تبذیر، اتراف و تجمل است و همچنین رعایت کفاف، عفاف، قناعت و... است. با توجه به این نکات، ساده‌زیستی علی‌رغم تغییر صورت آن در زمان‌های مختلف، دارای حدود و مرزهای ثابت است» (دلشادتهرانی، ۱۳۹۴: ۳۵۹). در مقایسه‌ای دیگر باید گفت که ساده‌زیستی امری پسندیده و مورد توجه معصومین علیهم السلام است. شهید مطهری (ره) در باب سیره عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌نویسد: زهد و ساده‌زیستی از اصول زندگی او بود. در عین سادگی، طرفدار فلسفه فقر نبود. به کارگیری مال و ثروت را به سود جامعه و در راه‌های مشروع لازم می‌شمرد و می‌فرمود: «نعم المال الصالح للرجل الصالح» (مطهری، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

از انس بن مالک روایت شده، پادشاه روم ردایی از سندس به پیامبر (صلی الله علیه و آله) هدیه کرد، رسول خدا آن را پوشید، مردم گفتند: ای رسول خدا آیا این جامه از آسمان بر شما نازل شده است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از این تعجب می‌کنید و حال

به شدت به آن گرفتارند، عیب‌جویی خود را عیبی بزرگ به‌شمار نمی‌آورند. عیب‌جویی، کینه و عداوت می‌آفریند و پیوندها را برهم می‌زند و انسان‌ها را از یک‌دیگر دور می‌سازد و در مقابل، عیب‌پوشی مایه تحکیم دوستی و محبت و موجب تقویت روابط اجتماعی و اعتماد و اطمینان افراد به یک‌دیگر است، عیب‌پوشی از صفات حضرت باری تعالی است. بر این اساس، آدمی با عیب‌پوشی از دیگران، آیینۀ خداوند می‌شود و از این راه به یکی از رموز دلبری و دلربایی دست می‌یابد؛ همان‌گونه که از رموز دلبری پروردگار، پرده‌پوشی آن ذات پاک، از گناهان و لغزش‌های بندگان خطاکار خویش است. امیرالمؤمنین در روایتی می‌فرماید: «مَنْ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَقَلْتَهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (سید رضی، ح ۲۲۲)، «یکی از با ارزش‌ترین کارهای کریمان تغافل از چیزهایی است که از آن آگاهند».

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در مقام انسانی کامل، خود را به عیب‌پوشی از دیگران آراسته بود و پیروان خویش را نیز به این امر توصیه می‌فرمود. آن حضرت به سبب شرح صدر خویش، کسی را رسوا نمی‌کرد و تا آن‌جا که امکان داشت، عذرهای افراد را می‌پذیرفت. این بزرگواری حتی پرده کفر منافقان را نیز نمی‌درید و با آن‌که به خوبی از همه چیز آگاه بود، همواره پنهان‌شان می‌کرد تا آنان که شایسته تربیت و هدایتند، به راه هدایت آیند و اسرار مردم از پرده برون نیفتند. نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ سَتَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فِي الدُّنْيَا فَلَمْ يَفْضَحْهُ سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (سیوطی، ۱۴۲۹: ۶۰۹)، «هر که بر عیب برادر مسلمانش در دنیا پرده پوشد و او را رسوا نسازد، خداوند در قیامت، عیب او را بپوشاند».

۱۱. ساده‌زیستی

ساده‌زیستی خود یکی از مراتب زهد است و برای رسیدن به زهد باید این مرحله را طی کرد. ساده‌زیستی هرچند به معنای زهد و بی‌رغبتی به دنیا نیست؛ اما یکی از راه‌های کسب آن است و ترویج فرهنگ یکی

و از (مخالفت فرمان) خدا بهره‌یازید که مجازات خدا شدید است.

براساس احادیث و روایات، احسان، نیکوکاری و رسیدگی به کار مردم و رفع نیاز آن‌ها از برترین حسنات بیان شده که به نوعی موجب تأمین امنیت فرهنگی می‌شود و کسانی که به سرنوشت برادر مسلمان خود بی‌توجه باشند، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند که این مورد هم به‌نحوی باعث ناامنی فرهنگی می‌گردد. نیکی به دیگران و کمک به مؤسسات خیریه در جهت گره‌گشایی از نیازمندان، امری فراملی است. در فراسوی مرزها، این عمل نیکو، جایگاه والای خود را دارد. همچنین، در آیین اسلام که در آن مسلمانان، برابر و برادر خوانده شده‌اند، این امر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نیکوکاران مسلمان، رهروان صادق امامان معصوم (علیهم‌السلام) هستند؛ آنان که خلق و -خوی حسنه‌شان و سیره و سیر و سلوکشان سرشار از خوبی‌ها و گره‌گشایی‌هاست.

بحث و نتیجه‌گیری

نقش باورهای دینی در تأمین امنیت فرهنگی در متون مقدس اسلامی، چنان چهارچوب دقیق، کارآمد، قوی و مسئولانه‌ای دارد که مسؤولان و مردم را در جامعه اسلامی در قبال مسئله امنیت، به‌خصوص امنیت فرهنگی مسؤول و مسؤولیت‌پذیر، پرورش می‌دهد و ضمن ایجاد وحدت امنیتی فرهنگی و اجتماعی، یک‌پارچگی و هم‌دلی آحاد جامعه اسلامی را در پی خواهد داشت. هنگامی که خشونت، بی‌عدالتی و گناهان بر مردم جهان، به‌ویژه مسلمانان و شیعیان با شدت هرچه تمام‌تر، در حال اتفاق است، کسب دانش نسبت به موازین اسلامی و شرعی در رعایت مقوله امنیت، موجب امید به آینده و عدم اشاعه گناه و فحشاء و رعایت عدالت، نسبت به همگان خواهد شد و در نتیجه متعاقب آن امنیت فرهنگی را به‌دنبال خواهد داشت که پس از ایجاد امنیت فرهنگی، جامعه اسلامی به امنیت اجتماعی دست خواهد یافت. آیات و روایات فراوانی در خصوص

آن‌که سوگند به کسی که جانم در دست اوست، از دستمال‌های سعد بن معاذ در بهشت، بهتر از این است. آن‌گاه آن را نزد جعفر بن ابی‌طالب فرستاد که به نجاشی برگرداند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۰۴).

۱۲. کمک به نیازمندان

از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه‌های دینی، به‌خصوص در قرآن کریم، مورد عنایت و توجه قرار گرفته و به آن سفارش شده است، احسان و نیکوکاری و کمک به نیازمندان است. احسان و نیکوکاری کارکردهای زیادی در عرصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، معنوی و ... دارد. مؤمنان واقعی و انسان‌های صاحب‌خرد و اندیشه در هر عصر و نسلی، سعی و تلاش کرده‌اند تا خود را به صفت و ویژگی احسان و نیکوکاری، آراسته سازند.

مبنای نیکوکاری و رسیدگی به کار مردم و نیازمندان در اسلام، تقوی و پرهیزکاری است و قرآن مجید در آیه ۲ سوره مائده به این امر اشاره دارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقُلَانِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتِغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمِ أَنْ صَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده ۵، آیه ۲)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آن‌ها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانی‌های بی‌نشان و نشان‌دار را، و نه آن‌ها را که به قصد خانه خدا برای به‌دست‌آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند. اما، هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) باز داشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!

نقش باورهای دینی در تأمین امنیت فرهنگی وجود دارد؛ روایات اهل بیت (علیهم السّلام) سرشار از سفارشات و راهنمایی‌های ایشان به اصحاب، یاران و پیروان خود، پیرامون مسأله امنیت فرهنگی و سپس امنیت اجتماعی است.

در این پژوهش، نقش باورهای دینی در امنیت فرهنگی مطرح شد که به مصادیق باورهای دینی در تأمین امنیت فرهنگی و بیان راه‌کارهایی در این مورد پرداخته شد. امر به معروف و نهی از منکر، عدالت‌محوری، مسؤلیت‌پذیری، رعایت حقوق، وفای به عهد، عفت، ولایت‌پذیری، بخشی از باورهای دینی درخصوص تأمین امنیت فرهنگی است. بهترین راه‌کار به‌منظور تأمین امنیت فرهنگی، عمل به دین، توصیه‌های قرآن و سفارشات اهل بیت (علیهم السّلام) در این باره است. اگر آحاد مردم در جامعه اسلامی، به وظیفه خود نسبت به دین، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السّلام) عمل نمایند، توصیه‌های ایشان کارساز است و موجب خشنودی آنان و در نتیجه امنیت فرهنگی و عاقبت به‌خیری را به‌همراه خواهد داشت. چنان‌که اگر برخلاف این مسأله عمل شود، موجب ناامنی فرهنگی و سپس ناامنی اجتماعی و عاقبت به‌شری را به دنبال دارد.

تقدیر و تشکر

به این وسیله، مراتب سپاس خود را به عوامل نشریه مطالعات فرهنگی پلیس و دو داور ناشناس تقدیم می‌داریم.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الکبری، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.

<http://lib.eshia.ir/40238/1/0>

۴. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، انتشارات آل علی (علیهم السّلام)، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

<http://lib.eshia.ir/12720/1/2>

۵. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللآلی، مؤسسه سیدالشهداء (علیه السّلام)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ.ق.

<http://lib.eshia.ir/11013/1/1>

۶. اخوان، عباسعلی، عدالت از دیدگاه استاد مطهری (مجموعه مقالات برگزیده همایش عدالت اجتماعی و امیرالمؤمنین علی (علیه السّلام))، دانشگاه امام حسین (علیه السّلام)، تهران، ۱۳۸۲ ش.

<https://www.gisoom.com/book/11069891>

۷. افرام بستانی، فؤاد، (ترجمه: محمد، بندر ریگی)،

فرهنگ بندر ریگی، نشر اسلامی، قم، چاپ بیستم، ۱۳۸۶ ش.

https://archive.org/details/02_20220104_20220104

۸. افروز، غلامعلی، مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۱ ش.

<https://www.gisoom.com/book/11140824>

۹. پارسا، محمد، زمینه روان‌شناسی نوین، نشر بعثت، تهران، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۸ ش.

<https://www.gisoom.com/book/1288977>

۱۰. جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۴ ش.

<https://www.gisoom.com/book/11184973>

۱۱. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۷۲ ش.

<https://lib.eshia.ir/11057/1/2>

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، مصطفی‌پور، محمدرضا، دین‌شناسی، انتشارات إسرائ، قم، چاپ ششم، ۱۳۹۰ ش.

<https://www.gisoom.com/book/11337949>

۱۳. الحرّ العاملی (شیخ حر عاملی)، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.

<http://lib.eshia.ir/27038/1/1>

۱۴. حسین زاده، محمد، مبانی معرفت دینی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم،

۲۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، راه رشد، تهران، چاپ اول ۱۳۸۹ ش.
<https://www.gisoom.com/book/1254665>
۲۶. عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ش.
<https://noorlib.ir/book/info/765>
۲۷. الفراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۱۴۰۹ هـ.ق. الهجره، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
<http://lib.eshia.ir/40660/1/3>
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، معجم القاموس المحيط، انتشارات دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
<http://lib.eshia.ir/20003/1/0>
۲۹. قیومی، المصباح المنیر، دارالهجره، چاپ اول، قم ۱۴۰۵ هـ.ق.
<http://lib.eshia.ir/27793/1/0>
۳۰. کریمی، یوسف، روان‌شناسی اجتماعی، انتشارات ارسباران، بی‌جا، ۱۳۹۹ ش.
<https://www.gisoom.com/book/11637539>
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.
<http://lib.eshia.ir/11008/0/7>
۳۲. محمد نژاد، میرعلی، بسیج منطقه ۳، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
<https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1084159.pdf>
۳۳. محدث، سیدجلال‌الدین، تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد، شرح غررالحکم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ش.
<https://www.gisoom.com/book/1344670>
۳۴. محمدی گیلانی، محمد، سعیدی، جعفر، درسهای اخلاق اسلامی، نشر سایه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
<https://www.gisoom.com/book/1411564>
۳۵. محمدی ری شهری، محمد، رهبری در اسلام، انتشارات دارالحديث، قم، ۱۳۷۶ ش.
<https://www.gisoom.com/book/1406700>
۱۵. خمینی، روح الله، صحیفه نور، انتشارات طبع و نشر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
<http://lib.eshia.ir/50080/1/3>
۱۶. دلشادتهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، نشر دریا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ش.
<https://noorlib.ir/book/info/2387>
۱۷. دورانت، ویل، لذات فلسفه، (ترجمه عباس، زریاب خویی)، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ بیست و نهم، ۱۳۹۸ ش.
<https://www.iranketab.ir/book/2063-the-pleasures-of-philosophy>
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، داودی، صفوان عدنان، الدار الشامیه، چاپ اول، دمشق بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
<http://lib.eshia.ir/15362/1/0>
۱۹. ساروخانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
<https://www.gisoom.com/book/1213987>
۲۰. سید قطب (ترجمه: قربانی لاهیجی، زین العابدین، خسرو شاهی، سید هادی) اسلام و صلح جهانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۱ ش.
<https://noorlib.ir/book/info/35436>
۲۱. السیوطی، جلال الدین، جامع الصغیر، انتشارات دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۹ هـ.ق.
<http://lib.eshia.ir/10754/1/0>
۲۲. صاحبی، محمد جواد، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
<https://www.gisoom.com/book/1348604>
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم ۱۴۱۷ هـ.ق.
<http://lib.eshia.ir/12016/1/0>
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۸ ش.
<http://lib.eshia.ir/71455/1/10>

<https://www.gisoom.com/book/113041>
2

۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ ش.

<https://lib.eshia.ir/10216/1/496>

۳۷. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

<https://www.gisoom.com/book/122522>

۳۸. مطهری، مرتضی، وحی و نبوت، انتشارات صدرا، تهران، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۳ ش.

<https://lib.eshia.ir/50038/1/36>

۳۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی (دو جلدی)، آدنا، تهران، چاپ چهارم ۱۳۸۶ ش.

<https://farhangoadabeirani.blogsky.com/1394/10/09/post-476>

۴۰. مهدوی، محمدصادق، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷ ش.

<https://torob.com/p/4ef97368-5789-4d39-bcba-8df3f96a0006>

۴۱. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۸ ش.

<https://www.iranketab.ir/book/15184-man-s-religions>

۴۲. واتقی، قاسم، درس هایی از اخلاق مدیریت، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش.

<https://www.gisoom.com/book/197288>

منابع اینترنتی

۴۳. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری،

www.farsi.khamenei.ir